

## معرفی دست‌نویسی از کلیات آثار پیرجمال اردستانی محفوظ در تالار نسخ خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به همراه معرفی مختصر آثار و شرح احوال وی

امید سُروری

پژوهشگر آزاد؛ [omidsoroory@gmail.com](mailto:omidsoroory@gmail.com)

تاریخ دریافت: ۸۸/۷/۱۴ تاریخ تصویب: ۸۸/۱۲/۱۲

### چکیده

**هدف:** این مقاله به معرفی دست‌نوشته‌های عارفان شیعی می‌پردازد.

**روش:** توصیفی - تحلیلی و مقایسه‌ای است که نسخه مورد نظر با نسخه نفیس و معتبر موجود در کتابخانه مجلس شورای اسلامی مطابقت داده شده است.

**یافته‌ها:** پیرجمال اردستانی بزرگترین عارف شیعه در قرن نهم هجری است یکی از دست‌نویس‌های به جا مانده از آثار وی نسخه کوچکی است که در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران محفوظ است این نسخه بسیار ارزنده و معتبر که بازمانده قرن نهم است از گزند حوادث در امان نمانده و دارای افتادگی‌ها و آسیب‌دیدگی‌های فراوانی است و چون تا کنون هیچ معرفی کامل و بررسی دقیقی در مورد آن انجام نشده اهمیت و درجه اعتبار آن همچنان مسکوت مانده است. علاوه بر این نسخه مذکور حاوی اطلاعات با ارزشی در زمینه نوع تذهیب، تزیین و تهیه نسخ خطی در دوره تاریخی تیموری و در محدوده جغرافیایی عراق عجم است که پژوهشگران می‌توانند اطلاعات ارزشمندی از آن به دست آورند. بنا به دلایل یاد شده در این مقاله پس از مقابله دقیق این نسخه با نسخه نفیس و معتبری که در موزه کتابخانه مجلس شورای اسلامی محفوظ است، میزان اهمیت، اصالت، اعتبار؛ و مضمون و مقدار مطالب افتاده به دست آمده و نشان داده شده است.

**واژه‌های کلیدی:** پیر جمال اردستانی، طریقت پیر جمالیه، جمالی، شاعران قرن نهم

## مقدمه

بررسی میراث مکتوب گذشته، همواره از اهمیت و اعتبار ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا که گوشه‌های تاریک و پنهان زبان، تاریخ و فرهنگ یک ملت در لابلای اوراق این نسخ همچون گنجی می‌درخشد. کاتبان، جدول‌بندان، جلدسازان، مُذهبان و... با عشق به کتابت، تجلید و تذهیب نسخ می‌پرداخته و آنچه را که می‌دانسته‌اند در پس این اوراق برای ما و فرزندان ما، به یادگار گذاشته‌اند. متأسفانه امروزه بسیاری از نسخ خطی فقط به خاطر مطالبشان مورد اهمیت واقع می‌شوند و از این بدتر که حتی رسم‌الخط این متون را هم آن قدر تغییر داده و امروزی می‌کنند که دیگر شباهت متن تصحیح شده با متن نسخه‌های استفاده شده به کمترین شکل ممکن می‌رسد و متن تصحیح شده خود نسخه‌ای جداگانه شده که البته دیگر حاوی اطلاعات نسخ قبلی، حداقل در خصوص رسم‌الخط نیست و بسیارند نسخی که دارای اطلاعات فراوان زبان‌شناسی، فرهنگی، هنری و... هستند و از نوع خط گرفته تا نوع جدول‌بندی، تذهیب و تزئین، باید جداگانه و با دید تخصصی بررسی شوند.

در این مقاله ضمن معرفی مختصر آثار و شرح احوال پیرجمال اردستانی و طریقت وی، نسخه‌ای از کلیات آثار وی معرفی خواهد شد که در آن اطلاعات تاریخی، زبان‌شناسی، هنری، فرهنگی و... مربوط به دوره تیموری و منطقه جغرافیایی عراق عجم به چشم می‌خورد. امید است روزی اهل فن، توجه خود را بیشتر به بررسی همه‌جانبه نسخ خطی به میراث مانده معطوف کنند.

## ۱- شرح احوال پیر جمال اردستانی:

## ۱-۱- نام، لقب و تخلص وی:

پیر جمال‌الدین اردستانی، متخلص به جمالی و معروف به پیرجمال و پیرجمالی، عارف، شاعر، مفسر، محدث و نویسنده بزرگ سده نهم هجری است. نام وی در منابعی مثل طرایق الحقایق<sup>۱</sup>، اصول‌الفصول<sup>۲</sup>، ریحانه‌الادب<sup>۳</sup>، فهرست

نسخ خطی مجلس شورای ملی،<sup>۴</sup> عجب‌نامه،<sup>۵</sup> جستجو در تصوف،<sup>۶</sup> و دانشمندان و سخن‌سرایان فارس<sup>۷</sup> احمد، ذکر شده و در تاریخ ادبیات در ایران (صفا)<sup>۸</sup>، تاریخ نظم و نثر در ایران<sup>۹</sup> و فهرست نسخ خطی کتابخانه ملی پاریس (معروف به فهرست بلوشه)<sup>۱۰</sup>، نام وی را فضل‌الله جمالی آورده‌اند؛ اما در منابع دیگر از قبیل ریاض‌العارفین،<sup>۱۱</sup> احسن‌التواریخ،<sup>۱۲</sup> الذریعه<sup>۱۳</sup> و آتشکده اردستان،<sup>۱۴</sup> نام وی را محمد گفته‌اند.

#### ۲-۱ - مکان و زمان تولد :

سال تولد وی مشخص نیست، منتها مؤلف آتشکده اردستان بنا بر مطلبی که در رساله هجدهم مرآه‌الافراد آمده و در آن پیر جمال گفته: «این فقیر پنجاه سال است که غذا می‌کنم با این خلق و خلق را خبر نیست»<sup>۱۵</sup> و در پایان برخی نسخه های مرآه‌الافراد که تاریخ ۸۶۶ هجری را زمان تألیف نوشته‌اند، حدس زده است که پیر جمال باید در حدود سال‌های ۸۱۰ تا ۸۱۶ هجری متولد شده باشد که مقارن با سال نهم سلطنت شاهرخ تیموری است.<sup>۱۶</sup> و در جایی دیگر گفته است که وی در ده کچویه سنگ واقع در دو فرسنگی اردستان به دنیا آمده است<sup>۱۷</sup> و البته منبعی برای گفته‌اش ذکر نکرده است.

#### ۳-۱ - زندگی‌نامه:

از پدران و احفاد وی هیچ‌گونه اطلاعی در دست نیست و در مورد زندگی و شرح حال خود او هم به جز آنچه در آثار خودش به آنها اشاره کرده است، مطلب بیشتری در منابع و تذکره‌ها نمی‌توان به‌دست آورد. بنا بر اشاراتش در دو اثر «شرح الکنوز» و «تنبیه‌العارفین»، وی در ابتدای کودکی به آموزش علوم متداول روزگار خود بخصوص علوم شرعی پرداخته و در شش سالگی سفری به همراه پدرش، که گویا بازرگان بوده، به سرزمین وحی و تبریز و همچنین کرانه رود ارس داشته است. همچنین، بنا بر اشاراتش در مثنوی «فتح‌الابواب»، در همین سفر حج و در همین سن و سال کم در کعبه با پیری ملاقات کرده که حقایق را

برایش روشن کرده است.<sup>۱۸</sup> وی در مثنوی «شرح الكنوز» گفته است که پس از این سفر، به مسافرت‌های دیگری قدم گذاشته؛ از جمله دو ماهی به روم و حبش رفته و با صوفیان ملاقاتی داشته و حالات و رسوم آنها را دیده است.<sup>۱۹</sup> جمالی با این سیر و شور و حال همراه بوده تا این که بر اساس آنچه در مثنوی «معلومات» آورده، مجدداً به فرمان پدر و یا پیرش به سفر حج می‌رود و این بار در مقام عرفات، جوان ناآشنایی او را از طواف بازداشته و بعد از این که از اصل و نسب او پرسیده، سفارش کرده که پیرجمال به اردستان بازگردد و به دیدار و خدمت پیرمرتضی‌علی اردستانی برسد. پیرجمال به توصیه وی عمل کرده و در بازگشت به اردستان، پیرمرتضی‌علی اردستانی را در مسجدی یافته است؛ ولی چون به او نیک نگریسته، دیده که او همان جوانی بوده که در عرفات دیده و با او به صحبت پرداخته است؛<sup>۲۰</sup> از همین زمان است که به پیرمرتضی ارادت خاصی پیدا می‌کند و به خدمت او درمی‌آید.

#### ۴-۱- مکان، زمان و چگونگی درگذشت:

سرانجام پیر جمال‌الدین اردستانی پس از سال‌ها سیر و سفر بین شهرهای مختلف و زادگاهش و همچنین تألیف آثار و تبلیغ طریقت، در زادگاهش اردستان دیده از جهان فروبسته و آرامگاهش در سمت چپ مرادش پیرمرتضی‌علی اردستانی، در بقعه پیرمرتضی واقع در محله فهره اردستان مجاور مسجد سفید سردشت باقی مانده است.<sup>۲۱</sup> اگر چه بیشتر منابع سال وفات او را ۸۷۹ هجری نوشته‌اند، ولی روملو تاریخ دور از ذهن رجب ۸۶۶ هجری را برای مرگ او ذکر کرده است.<sup>۲۲</sup>

#### ۵-۱- عقاید مذهبی پیر جمال:

پیر جمال در قصاید، غزلیات و بیشتر مثنویاتش به وضوح اعتقاد به امامت دوازده امام و معصومیت چهارده معصوم(ع) را بیان کرده و به خوبی تشیع خود

را مشخص کرده است. گویا این ابیات را در زمان‌ها و مکان‌هایی که آزادی بیشتری داشته، نوشته و ابراز کرده است.<sup>۲۳</sup>

#### ۱-۶- طریقت پیرجمال:

##### ۱- رشته‌های انتساب سلسله پیرجمالیه:

پیرجمال در پایان رساله شرح‌الکنوز (قسم سوم، روح‌القدس)، شیخ شهاب‌الدین غم‌سهروردی را شیخ شریعت، شیخ زین‌الملء والدین عبدالسلام کامویی را پیر طریقت و پیرمرتضی‌علی اردستانی را پیر و مرشد حقیقت معرفی می‌کند<sup>۲۴</sup> و به وضوح رشته انتساب این طریقه را به شهاب‌الدین سهروردی و سلسله سهروردیه نشان داده است و بنابر همین اشاره، محل انتساب بزرگان طریقه پیرجمالیه را بهتر می‌توان یافت. باید گفت پیرجمال خود این طریقه را به وجود نیاورده بلکه آنقدر تأثیر او در این طریقه زیاد بوده که بعد از پیرمرتضی، این طریقه به نام او یعنی طریقه پیرجمالیه معروف شده و شناخته می‌شود. رضاقلی - خان هدایت در اصول‌الفصول به شکل مبسوطی به معرفی رشته انتساب بزرگان این سلسله در سه شاخه مختلف پرداخته که در هر سه شاخه، رشته انتساب پیرجمال به پیرحقیقت (پیرمرتضی) و پیرطریقت (شیخ کامو) و در نهایت به پیر شریعت شیخ شهاب‌الدین غم‌سهروردی و از او به معروف کرخی و سپس به علی بن موسی الرضا(ع) ختم می‌شود.<sup>۲۵</sup>

مؤلف بستان‌السیاحه نیز به طور خلاصه ولی متفاوت، سلسله انتساب طریقه پیرجمالیه را از طریق بهاء‌الدین زکریای مولتانی، به شیخ شهاب‌الدین سهروردی رسانیده است و بر انتساب این طریقه به سلسله سهروردیه تأکید کرده است.<sup>۲۶</sup>

#### معرفی آثار:

پیرجمال در میانه و پایان بعضی از آثارش به آثار دیگر خود اشاره کرده و خواننده را به مطالعه آنها سفارش کرده و ارجاع داده است. همین امر در صحت انتساب آثارش بسیار راهگشاست. این آثار عبارتند از:

کنزالدقایق؛ شرح الکنوز؛ تنبیه العارفين؛ بیان حقایق مصطفی (ص): این مجموعه شامل هفت مثنوی بلند مصباح الارواح، احکام المحبین، نهایه الحکم، بدایه المحبه، هدایه المعرفه، فتح الابواب و شرح الواصلین است و در شرح احوال پیامبر (ص) از آفرینش نور وی تا انتهای زندگی اوست؛ محبوب الصدیقین؛ مرآه الافراد (به نثر)؛ کشف الارواح یا یوسف نامه؛ مفتاح الفقر؛ مشکوه المحبین؛ معلومات؛ استقامت نامه؛ نور علی نور؛ ناظر و منظور؛ مهرا فروز؛ مهر قلوب؛ قدرت نامه؛ نصرت نامه؛ فرصت- نامه؛ فضیله العقل؛ داستان زندگی سلمان؛ میزان الحقایق؛ مرآه الحبيب؛ دیوان اشعار و مثنویات بسیار کوتاه.

معرفی دست نویس دو اثر از کلیات آثار پیرجمال تحت عنوان شرح الکنوز و میزان الحقایق معروف به نسخه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران:

#### ۱- مشخصات نسخه:

این نسخه خطی مدت ها در کتابخانه مرحوم سعید نفیسی به شماره ۶۲۲ بوده و بعدها به دانشگاه تهران تحویل داده شده و اکنون در تالار نسخ خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به شماره ۶۱۲۰ محفوظ است. این نسخه که قسم اول از سه قسم مثنوی «شرح الکنوز و بحر الرموز» و همچنین مجموعه ۱۹۰ رباعی از رباعیات پیرجمال (تحت عنوان میزان الحقایق) را دربر دارد، توسط کاتبی نامعلوم به خط نستعلیق خوش، خطی تقریباً پخته و زیبا، در تاریخی نامعلوم نوشته شده است. نوع جلد آن تیماج تریاکی ترنجی لایی است که نقش دو نیم ترنج در بالا و پایین و یک ترنج بزرگ در وسط آن وجود دارد. ابعاد این جلد (۹×۱۶) بوده و نوع کاغذ آن سمرقندی است. همه صفحات این نسخه در زمانی نامعلوم در معرض رطوبت و نم قرار داشته و در قسمت بالایی همه برگ ها آثار نم کم و بیش به جای مانده است. علاوه بر این، همه برگ ها دارای لکه های سیاه و کثیف بزرگ و کوچک است که در برخی موارد بسیار پر رنگ و تیره هستند. همچنین بر روی برگ های ۱ / ۳ / ۵ / ۹ / ۲۳ / ۳۱ / ۳۲ / ۶۱ / ۶۹ / ۷۸ / ۸۹ / ۹۵ / ۱۰۴ / ۱۰۵ / ۱۱۰ / ۱۱۱ / ۱۲۱ / ۱۲۲ / ۱۲۸

۱۳۴ / ۱۳۵ / ۱۳۸ / ۱۴۴ / البته در بیرون جداول و به دور از مطالب اصلی، توسط اشخاص کم سواد و یا کودکان کلمات، اعداد و نوشته‌هایی خوانا و ناخوانا و گاه تصاویر گل و پرنده و جانور با مرکب سیاه نقاشی و نوشته شده است. در بیرون برخی از برگ‌ها نیز مُهرهایی خوانا و ناخوانا به مضمون یا علی‌ادرنکی و یا امام محمد باقر و... زده شده است.

صفحه اول این نسخه که حاوی کتیبه، سرلوح و عنوان کتاب بوده، افتاده و یقیناً همانند صفحه دوم که قرینه آن است و اکنون موجود است، حاوی چهار بیت اول این رساله بوده است. این چهار بیت بر اساس نسخه معتبر مجلس شورای اسلامی به شماره ۴۲۷۶ عبارتند از:

به اسم عظیم و به ذات قدیم	که عشقست و بس هرچه هست ای حکیم
ز عشق این عناصر به هم خوی کرد	سه دشمن به یک آب در جوی کرد
ز عشق آن پدر آدم خون‌جگر	درآمد چو سیم‌رخ بی بال و پر
درین دشت و کشور به هم زد دو بال	جهان شد منقش <sup>۲۷</sup> ز زرد و ز آل <sup>۲۸</sup>

صفحه دوم این نسخه، داری دو سرلوح و دو کتیبه مذهب و مزین است که هر کدام دارای چهار لچک ترنج در چهار گوشه کتیبه‌ها هستند. این سرلوح‌ها و کتیبه‌ها با آب طلا و چند قلم مشکی و رنگ آب طلا و لاجورد کشیده شده‌اند و لچک ترنج‌هایشان دارای نقاشی شاخ و برگ و گل‌های ختایی اسلیمی شده با آب طلا و شنگرف در زمینه لاجوردی است. در کتیبه بالایی به خط ثلث و با آب طلا این آیه نوشته شده است: «ما ضل صاحبکم و ما غوی» (نجم ۵۳) و به همان ترتیب در کتیبه پایینی نیز به خط نسخ و با آب طلا آیه «ان هو الا وحی» یوحی» (نجم ۴) نوشته شده است و بر روی آیه‌های نوشته شده در هر دو کتیبه، شاخ و برگ‌های طلایی رنگ اسلیمی شده وجود دارد که با آب طلا با دقت و ظرافت خاصی نقاشی شده است. این صفحه همچنین دارای جدولی قطور به ابعاد (۱۰×۶/۵) و از نوع کمند زرین با زمینه‌ای لاجوردی است که هر دو کتیبه را در بر گرفته و حاشیه‌هایی مزین به تصاویر نوعی گل ختایی همراه با رشته‌های

طلایی و لاجوردی رنگ اسلیمی شده دارد. خطوط این جدول با چند قلم مشکی و رنگ آب طلا و جوهر لاجورد کشیده شده و در وسط آن و بین دو سرلوح و کتیبه، جدول کوچک دیگری به همان ترتیب و با همان خطوط کشیده شده و چهار بیت دوم رساله شرح الکنوز را دربر دارد که قسمت‌های ابتدایی مصراع‌های اول بر اثر تعمیرات و صحافی مجدد توسط افراد غیر حرفه‌ای (در زمانی نامعلوم) از بین رفته و قابل خواندن نیست و انتهای مصراع‌های دوم نیز که در طی همان عملیات مخدوش شده‌اند با مرکب سیاه مجدداً پر رنگ شده که تاحدودی قابل خواندن است. این چهار بیت براساس نسخه مجلس (به شماره ۴۲۷۶) عبارتند از:

شهادانه شیت آن گرفتار عشق	بجان شد خریدار آثار عشق
نه نوح از غم عشق تبدیل کرد	جهان را بدین رنگ پر نیل کرد
خلیل اندر آتش چو گل خنده زد	که عشقش به ساز نوازنده زد
نه حق پور مریم ز عشق آفرید	بیکدم چو آدم ز عشق آفرید <sup>۲۹</sup>

در طی همان عملیات غیر حرفه‌ای برای صحافی، بر روی جدول کتیبه پایینی سه نوار چسب باریک زرد رنگ به صورتی ناشیانه چسبانده شده تا احتمالاً پارگی و یا آسیبی که در این قسمت وجود داشته بر طرف شود. ادامه این چسب کاری‌های به اصطلاح تعمیرانه را بر روی برگ‌های ۲ / ۳ / ۴ / ۵ / ۷ / ۱۱ / ۱۲ / ۱۳ / ۳۷ / ۴۱ / ۴۲ / ۴۳ / ۴۴ / ۸۹ / ۹۰ / ۹۱ / ۹۴ / ۹۵ / ۱۰۰ / ۱۰۱ / ۱۰۴ / ۱۰۵ / ۱۰۶ / ۱۰۷ / ۱۱۶ / ۱۱۷ / ۱۲۱ / ۱۲۳ / ۱۲۸ / ۱۲۹ / ۱۵۰ / ۱۵۱ / ۱۵۲ نیز می‌توان دید که البته گاهی نیز بر روی برخی از کلمات آمده و خواندن آنها را مشکل و غیرممکن کرده است. علاوه بر این در بالا، پایین و سمت چپ کنار برگ اول دقیقاً بر روی جدول قطور ذکر شده، علامتی دایره‌ای شکل شبیه به سوختگی و یا مهر و موم کردن (به مساحت حدوداً یک سانتی‌متر) به‌جا مانده که جدول را در هر سه نقطه مخدوش کرده است.



در بالای صفحه اول، در بیرون از محدوده جدول، این مطلب به خط خوانایی نوشته شده است:

«مثنوی شرح‌الکنوز جمال‌الدین اردستانی معروف به پیرجمالی اتمام در ۸۶۴» و در کنار این نوشته شماره «۶۲۰» مهر شده و با مرکب نوشته شده: «۵۴۳ دواوین شعرای ایران» و امضایی بدون نام در کنار آن وجود دارد.

در برگ‌های بعدی که ادامه رساله شرح‌الکنوز را در بر دارد، مطالب در ۱۱ سطر و در داخل جدولی کشیده شده با لاجورد به ابعاد (۶/۵×۱۰) نوشته شده است. همه این برگ‌ها دارای رکابه هستند و جداول آنها در قسمت‌های منظوم به دو قسمت مساوی تقسیم شده و مصراع‌ها را به یک اندازه در روبروی هم دارد و در قسمت‌های منثور، به یک قسمت واحد کشیده شده و عنوان‌ها و سرفصل‌ها و تمامی قسمت‌های منثور با شنگرف (قرمز پر رنگ) در داخل آن نوشته شده است. ادامه مطالب مثنوی شرح‌الکنوز در برگ ۱۰۳ با ترقیمه مثلی شکل به پایان رسیده است.

در صفحه ۱۰۵ قبل از شروع رساله دوم، شمس‌ای مذهب و مزین وجود دارد که با آب طلا، لاجورد و قلم‌های مشکی و رنگ آب طلا کشیده شده و در اطراف آن شرفه‌هایی با لاجورد نقش شده تا آن را شبیه به خورشید کند. در داخل شمس‌ه به خط نسخ و با آب طلا این حدیث از پیامبر(ص) «قال‌النبی صلی‌الله علیه و سلم الرفیق ثم الطریق» و این رباعی که نام کتاب را در بر دارد نوشته شده است:

میزان حقایق است و اسرار دقیق      زنهار که این کتاب می‌دار رفیق  
وارد ز جمالیست که همراز دلست      آثار رفیقست و نمودار طریق

بر اساس وجود همین شمس‌ه، و فقدان صفحه اول این نسخه، بدون شک قبل از رساله اول، درست در پشت صفحه اول شمس‌ه‌ای وجود داشته که به همین ترتیب تهیه شده بوده و احتمالاً حاوی آیه‌ای از قرآن و یا اسم رساله بوده است

که وقتی آن را جدا کرده‌اند و یا به هر دلیلی افتاده است، صفحه اول رساله شرح-الکنوز هم جدا شده است.

در برگ ۱۰۶، سرلوح و کتیبه‌ای وجود دارد که همانند کتیبه‌های رساله اول دارای چهار لچک ترنج با زمینه لاجوردی در هر چهار گوشه کتیبه است. در لچک ترنج‌ها، شاخ و برگ و گل‌های ختایی اسلیمی با آب طلا و شنگرف و لاجورد نقاشی شده است و در درون کتیبه، به خط ثلث با آب طلا نوشته شده: «کتاب میزان الحقایق» و بر روی این نوشته همانند دو کتیبه قبلی با آب طلا با ظرافت خاصی شاخه و برگ‌های اسلیمی کشیده شده است. روی سرلوح و کتیبه مذکور یک نیم‌تاج مثلثی شکل با شرفه‌های لاجوردی رنگ وجود دارد که یک نیم‌ترنج طلایی کوچک هم در رأس آن کشیده شده است، زمینه نیم‌تاج لاجوردی و حاشیه‌اش طلایی است. در داخل نیم‌تاج و بر روی زمینه لاجوردی، طرح‌های اسلیمی پیچ در پیچ با آب طلا به سبک دوره تیموری کشیده شده است.

جدولی که در این برگ کشیده شده و سرلوح و کتیبه را در بر دارد و نیز جدول‌هایی که در برگ‌های بعدی کشیده شده‌اند، همگی در ابعاد (۶/۵×۱۰) با رنگ آب طلا و چند قلم مشکی کشیده شده‌اند. این جداول علاوه بر این که به دو قسمت تقسیم شده‌اند تا ابیات را در مقابل هم داشته باشند، در بین رباعیات هم خطوطی دارند تا فضایی برای جدا کردن رباعی‌ها از هم ایجاد کنند. البته در بعضی برگ‌ها، در کشیدن خطوط بین رباعی‌ها ترتیب جالبی وجود ندارد و ابیات برخی رباعی‌ها به دو قسمت جداگانه و دور از هم تقسیم شده و یکی از ابیات در صفحه بعد نوشته شده است. نکته جالب این که بر خلاف رساله اول، هیچ-کدام از این صفحات رکابه ندارند و صفحات پایانی این رساله نیز افتاده است و ترقیمه در صفحه آخر این نسخه وجود ندارد.

## ۲- ویژگی‌های رسم الخط:

۱-۲. مصوت «آ» هم به صورت آسمان و هم به صورت اسمان نوشته شده است.

- ۲-۲. حرف اضافه «به» و حرف «ب» التزامی در همه جا چسبان به کلمه بعدی نوشته شده‌اند مثل: باسم، بذات، برفت، بشد؛
- ۳-۲. ضمیر پرسشی «چه» هم به صورت جدا و هم چسبان نگاشته شده است مثل: چباک، چه باشد و ... ؛
- ۴-۲. پیشوند منفی‌ساز «ن» در بیشتر موارد به صورت مجزا و قبل از افعال نوشته شده است مثل: نه بینی، نه خواهی؛
- ۵-۲. واج «س» به دو صورت کشیده و ساده نوشته شده و در بیشتر موارد در هر دو صورت در زیر آن سه نقطه قرار دارد؛
- ۶-۲. واج «د» (دال عجمی) در کلماتی مثل خدا، دوید، صدا، آمد، آورد، بیدار، در بیشتر موارد با یک نقطه به شکل ذال نوشته شده است؛
- ۷-۲. واج «ذ» در اکثر کلمات همین‌گونه نوشته شده ولی در برخی موارد کلماتی مثل «گذشته و گذار» بی نقطه کتابت شده‌اند؛
- ۸-۲. واج «گ» در همه جا با یک سرکش نوشته شده به صورت ک؛
- ۹-۲. واج «پ» هم با یک نقطه و هم با سه نقطه نوشته شده است؛
- ۱۰-۲. واج «ژ» در اکثر موارد با یک نقطه و در بعضی موارد با سه نقطه نوشته شده است؛
- ۱۱-۲. واج «چ» به هر دو صورت با یک نقطه و با سه نقطه نوشته شده است؛
- ۱۲-۲. کسره اضافه در بعضی موارد نوشته شده است، ولی بعد از کلماتی که به «ه» ختم شده‌اند، به صورت «ء» آورده شده مثل خانهء دل و همچنین بعد از کلماتی که به «ی» ختم شده‌اند به صورت همزه در بالای «ی» نشان داده شده است مثل: هستیء او؛
- ۱۳-۲. واج «ی» هرگاه در پایان کلمات، بعد از مصوت بلند «آ» و «و» آمده گاهی نوشته شده و گاهی حذف گردیده است مثل: مجوی، مجو؛ رهنما، رهنمای و ... ؛
- ۱۴-۲. واج و مصوت «ی» در پایان کلمات به دو صورت بدون نقطه «ی» و با دو نقطه در زیر «ی» نوشته شده است؛

- ۱۵-۲. کلماتی که به واج یا مصوت «ی» ختم شده‌اند و به «ی» نکره و وحدت چسبیده‌اند با هر دو یاء نوشته شده‌اند مثل: راویی، قاریی و ... ؛
- ۱۶-۲. هرگاه کلمه‌ای قبل از کلمات است، این، از، او، آمده به آنها چسبیده و الف این کلمات حذف شده است مثل: برین، وز، شمعست، همو و ... ؛
- ۱۷-۲. بر روی واج «ک» و «ک (گ)» در آخر کلمات در اکثر موارد همزه آمده است مثل: خاک، کرک، (گرگ) و ... ؛
- ۱۸-۲. جملات عربی، آیات و احادیث در برخی موارد دارای شکل، حرکت، تشدید، ساکن و مد هستند؛
- ۱۹-۲. برخی از کلمات فارسی نیز به خاطر هم‌شکل بودن از لحاظ کتابت دارای شکل و حرکت هستند تا خواننده دچار مشکل و اشتباه نشود مثل: کل (گل)، کُل (گل)، سَر، سِر و ... ؛
- ۲۰-۲. قبل از واج‌هایی که در وسط کلمات به مصوت «ا» چسبیده‌اند، فتحه نوشته شده است مثل: قیام، عالم، اشجار، ثمار و ... ؛
- ۲۱-۲. در برخی موارد کلماتی که کنار هم آمده‌اند و برخی کلمات مرکب، سرهم نوشته شده‌اند این قاعده بیشتر در مواردی که دو کلمه با یکدیگر یک قید را ساخته‌اند و جدا کردن آنها این کاربرد دستوری آنها را کم‌رنگ و گاه از دید خواننده دور می‌کرده، و البته در مواردی دیگر صورت گرفته است مثل: یک‌لحظه، دلفروز، بیخبر، هیچکس، هم‌خانه، بی‌حاصل، دلخسته، همسو، بی‌کسو، از آنرو و ... ؛
- ۲۲-۲. پیشوند «می» و «همی» علامت استمراری در اکثر موارد به فعل بعد از خود چسبیده است؛
- ۲۲-۲. «ی» نکره، «ی» وحدت، و همچنین پسوند ماضی استمراری در دوم شخص یعنی «ای» استمراری هر جا بعد از کلمه‌ای واقع شده‌اند که به های غیر ملفوظ «ه» ختم شده به صورت «ه» نوشته شده است مثل: خانه (به جای خانه ای)، سایه (به جای سایه‌ای) و نه (به جای نه‌ای)، رفته (به جای رفته‌ای).

### ۳- اصالت و درجه اعتبار:

کتابت این نسخه به گواهی نوع خط و جلد و نیز نوع تذهیبات و تزیینات، به احتمال قوی باید در اواخر قرن ۹ و اوایل قرن ۱۰هـ روی داده باشد. براساس گفته مؤلف مقامات جامی، سروده‌های پیرجمال در روزگار خود وی توسط مریدانش جمع‌آوری و توسط همشهریان عراقی و اردستانی (و یا دیگر مریدانش) به این شکل و آیین در زیبایی هر چه تمام‌تر ترتیب داده می‌شده و به اطراف و اکناف و به دربار بزرگان و حاکمان ولایات فرستاده و تقدیم می‌شده است.<sup>۳۰</sup> و جالب این که این نسخه نیز که یکی از زیباترین نسخ همان دوره است، به احتمال قوی در همان کارگاه‌ها، برای شخص مهمی ترتیب داده شده بوده ولی متأسفانه همان گونه که قبلاً گفته شد به دلیل افتادگی و یا سرقت صفحه یا صفحات اول و همچنین صفحات آخر این نسخه اگر احیاناً اطلاعاتی هم در خصوص چگونگی اهدای آن و نام هدیه گیرنده وجود داشته، امروز از فهم آن عاجزیم. وجود تذهیبات و تزیینات خاص و همچنین ترتیب شکل دادن به مطالب در این نسخه سبب شده تا اطلاعات باارزشی از آن دوره تاریخی (دوره تیموری) و از آن محدوده جغرافیایی (عراق عجم) در خصوص نوع نسخه پردازی و کارگاه‌های تذهیب، تزیین و تجلید نسخه‌های دست‌نویس به جای بماند و البته شرایط یک تحقیق کامل در این باره را داشته باشد.

متأسفانه بعد از مقایسه رساله اول این نسخه با نسخه معتبر مجلس (به شماره ۴۲۷۶)، مشخص شد که علاوه بر صفحات اول و آخر این نسخه که افتاده‌اند، از اواسط این نسخه و رساله اول (قسم اول شرح‌الکنوز) حدود ۷۵ صفحه و ۸۹۶ بیت افتاده است این افتادگی‌ها عبارتند از:

۱- از صفحه ۳۶ و بیت

ز مشرق چو بر زد شعاع قدیم      ز جانم برون شد همه خوف و بیم<sup>۳۱</sup>

تا صفحه ۹۳ و بیت

نگارم نگه دار بازار بود      ز آزار جانم خیردار بود<sup>۳۲</sup>

- ۲- از صفحه ۳۰ و بیت  
در ابصار محمود و حسن ایاز بسی راز باشد به ناز و نیاز<sup>۳۳</sup>  
تا صفحه ۹۵ و بیت
- ۳- از صفحه ۷۲ و بیت  
در آن سر بریدن ببینم رخس شوم زنده دل تر به بوی خوشش<sup>۳۴</sup>
- نگارم نمرد و نمیرد یقین که نور سپهرست و سر زمین<sup>۳۵</sup>  
تا صفحه ۷۳ و بیت
- ۴- از صفحه ۹۸ و بیت  
که تصویر عالم به جز مال نیست اشارات دانا به جز قال نیست<sup>۳۶</sup>
- چو آدم برافروخت رخ همچو ماه که در جان خود دید ایوان شاه<sup>۳۷</sup>  
تا ص ۳۷ و بیت
- به کس وا نگفتی خیال درون دهان پر ز زهر و جگر پر ز خون<sup>۳۸</sup>

۱- از صفحه ۳۶ البته در این افتادگی‌ها، جابجایی‌هایی نیز رخ داده که باید تصحیح شود. این جابجایی‌ها عبارتند از :

- ۱- صفحه ۹۳ باید بعد از صفحه ۳۶ قرار داده شود.  
۲- صفحه ۳۰ باید بعد از صفحه ۳۶ قرار داده شود.  
۳- صفحه ۲۹ باید بعد از صفحه ۹۰ قرار داده شود.
- و اما در رساله دوم، به خاطر رعایت نکردن الگوی خط کشی درست در تعدادی از صفحات که منجر به جدا افتادن دو بیت از هم‌دیگر شده بوده، می‌توان تعدادی از رباعیات را که بیت دومشان در صفحه بعدی آمده دنبال کرد. بر همین اساس و از روی این دلیل، قطعاً بعد از صفحات ۱۲۸، ۱۳۹ و ۱۴۴ و نیز قبل از صفحه ۱۳۳، صفحات و ابیاتی وجود داشته است که افتاده است. علاوه بر این، همان گونه که گفته شد چون رساله دوم این نسخه ترقیمه پایانی ندارد، به

احتمال بسیار قوی صفحات و ابیات زیادی نیز از آخر آن افتاده است که البته اگر حتی این نسخه با نسخه‌های متعدد دیگر مقایسه شود، چون قالب رباعی همانند قالب مثنوی به هم متصل نیست و مضمون‌ها به هم پیوند ندارند، تفاوت‌ها بسیار و دقت کم می‌شود و این احتمال همواره وجود خواهد داشت که شاید رباعیاتی در این نسخه بوده و افتاده که در نسخ دیگر وجود نداشته است. اما از روی مقایسه با دیوان اشعار پیرجمال که توسط دکتر ابوطالب میرعابدینی گردآوری شده و در سال ۱۳۷۶ توسط انتشارات روزنه به چاپ رسیده، می‌توان احتمال داد چون در دیوان وی ۴۲۷ رباعی آمده و در این رساله تنها ۱۹۰ رباعی نوشته شده (البته با رباعی داخل شمسه ما قبل شروع رساله میزان‌الحقایق ۱۹۰ رباعی می‌شود) باید در حدود ۲۳۷ رباعی افتاده باشد و چون در هر صفحه از این نسخه ۸ بیت آمده، باید در حدود ۳۰ صفحه از آن افتاده باشد. البته باید گفت از مجموع این ۱۸۹ رباعی موجود، ۸ رباعی تک‌بیتی و ناقصند.

اما در خصوص اعتبار این نسخه باید گفت پس از مقایسه رساله اول آن با رساله کامل شرح‌الکنوز در نسخه مجلس (به شماره ۴۲۷۶)، شباهت فراوانی بین هر دو نسخه به‌ویژه در میان قسمت‌های منثور مشاهده شد که خود از اعتبار بسیار بالای این نسخه گواهی می‌دهد؛ زیرا در سایر نسخی که آثار پیرجمال را در بر دارند، بیشترین تغییرات و دست‌اندازی‌ها در همین مطالب منثور رخ داده است. علاوه بر این، چون کاتب این نسخه یک یا چند نسخه دیگر در هنگام کتابت در پیش روی داشته، در مواردی که تفاوتی بین نسخ مشاهده کرده در کنار جدول تفاوت را با ذکر علامت «ص» نوشته و یا مطالب و ابیاتی را در بیرون از جداول و در حاشیه اضافه کرده است که این موضوع خود به درجه اعتبار آن بیش از پیش می‌افزاید.

## ۲-۱- محتوای نسخه:

### ۲-۱-۱- قسم اول مثنوی شرح الکنوز:

بنا بر تاریخ اتمام دومین مثنوی بلند پیرجمال، شرح الکنوز پس از مثنوی دیگرش «کنزالدقایق» است. این مثنوی همانند مثنوی‌های دیگر او هم به نظم و هم به نثر ترتیب داده شده است. این رساله شامل سه قسم بزرگ است: قسم اول در شریعت، قسم دوم در طریقت و قسم سوم (که روح القدس نام دارد) در حقیقت. قسم اول این مثنوی که در این نسخه وجود دارد در سال ۸۶۴ هـ به پایان رسیده و در آن پیرجمال به بسط و شرح نگرش خود به مسئله شریعت در عرفان پرداخته و توضیح داده که وی و اهل طریقتش به این اصل چگونه می‌نگرند و در رعایت آن چه عقایدی دارند و از چه رسومی پیروی می‌کنند. از دیگر مضامین این مثنوی داستان‌ها، قصص قرانی و حکایات و نیز تأویل و تفسیر برخی از آیات، احادیث و گفته‌ها و اشعار بزرگان متصوفه و تعلیمات و تذکرات اخلاقی، دینی و عرفانی است که پیرجمال آنها را بنا به تناسب وقت و موضوع آورده است. علاوه بر آنچه گفته شد، پیرجمال در این رساله اشارات تاریخی مهمی به وقایع و رویدادهای روزگار خود نیز کرده است.

### ۲-۱-۲- میزان الحقایق:

رساله دوم این نسخه شامل مجموعه رباعیات پیرجمال است که آنها را بنا به اوضاع و احوال متفاوت می‌سروده و مضامین متفاوت و گاه متنوعی دارند. پیرجمال خود آنها را تحت همین نام گردآوری می‌کرده و بارها در سایر آثارش مخاطبان را به خواندن این مجموعه (میزان الحقایق) توصیه کرده است.



### پی‌نوشت‌ها

۱. معصوم علی‌شاه شیرازی، طرائق‌الحقایق (چاپخانه بارانی، فاقد تاریخ انتشار) جلد ۲، ص ۳۵۵.
۲. رضا قلی خان هدایت، اصول‌الفصول (نسخه خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، به شماره ۲۱۰۳)، برگ ۴۸۵.
۳. محمد علی مدرس، ریحا الادب (انتشارات خیام ۱۳۷۷) جلد ۱، ص ۳۱۲.
۴. ابن یوسف شیرازی، فهرست نسخ خطی مجلس شورای ملی (چاپخانه مجلس شورای ملی، مهر ۱۳۵۳) جلد ۳، ص ۳۹۲.
۵. رینولد نیکلسون، «پیرجمال اردستانی»، در مجموعه مقالاتی تحت عنوان عجب‌نامه (چاپ کمبریج ۱۹۲۲) ص ۳۶۵.
۶. عبدالحسین زرین کوب، جستجو در تصوف (انتشارات امیر کبیر، چاپ چهاردهم، ۱۳۶۹) ص ۳۳۳.
۷. محمد حسین رکن‌زاده آدمیت، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (انتشارات خیام، ۱۳۴۰) جلد ۴، ص ۱۴۲، ذیل فضل‌الله خنجی.
۸. ذبیح‌الله صفا، تاریخ ادبیات در ایران (انتشارات فردوس، ۱۳۷۲) جلد ۴، ص ۴۵۵.
۹. سعید نفیسی، تاریخ نظم و نثر در ایران (تهران: کتابخانه فروغی، ۱۳۴۴) ص ۲۴۴.
۱۰. بلوشه، فهرست نسخ خطی کتابخانه ملی پاریس، چاپ کتابخانه ملی پاریس، جلد ۳، ص ۲۴۴.
۱۱. رضا قلی خان هدایت، ریاض‌العارفین (چاپخانه مهدیه تهران، ۱۳۱۶) ص ۸۵.
۱۲. حسن بیک روملو، احسن‌التواریخ (بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۹) ص ۸۴۸.
۱۳. آقابزرگ تهرانی، الذریعه الی تصانیف الشیعه (چاپخانه مجلس شورای ملی، ۱۳۳۳) قسم اول از جزء نهم، ص ۱۶۱.
۱۴. ابوقاسم رفیعی مهرآبادی، آتشکده اردستان (تهران، ۱۳۴۲) بخش دوم، ص ۳۸۴.

- ۱۵ . پیرجمال اردستانی، مرآ الافراد، به تصحیح محمد حسین انیسی پور، (انتشارات زوار، ۱۳۷۱) ص ۱۵۵.
- ۱۶ . آتشکده اردستان، بخش ۲، ص ۳۵۱.
- ۱۷ . همان، همانجا، ص ۳۶۹.
- ۱۸ . پیر جمال اردستانی، فتح‌الابواب، کلیات (نسخه خطی کتابخانه ملی پاریس به شماره ۱۷۵۷، و به شماره عکس ۱۳۲۱، در دانشگاه تهران) برگ ۵۲۸.
- ۱۹ . شرح الکنوز، برگ‌های ۷۷ و ۷۸.
- ۲۰ . پیر جمال اردستانی، معلومات، کلیات (نسخه خطی کتابخانه ملک، به شماره ۵۰۵۲) برگ ۲۷۲.
- ۲۱ . آتشکده اردستان، ص ۳۸۴.
- ۲۲ . احسن‌التواریخ، وقایع سال صص ۸۶۶ و ۸۴۸.
- ۲۳ . برای نمونه رک. پیر جمال اردستانی، دیوان اشعار، به تصحیح ابوطالب میرعابدینی (انتشارات روزنه، چاپ اول، ۱۳۷۶)، برگ ۵۱ و نیز، پیرجمال اردستانی، هدایه‌المعرفه، کلیات (نسخه خطی کتابخانه ملی پاریس به شماره ۱۷۵۷، و به شماره عکس ۱۳۲۱، در دانشگاه تهران) برگ‌های ۳۵۶ و ۳۵۷.
- ۲۴ . شرح الکنوز، ص ۲۱۹.
- ۲۵ . اصول‌الفصول، برگ ۴۸۵.
- ۲۶ . زین‌العابدین شیروانی، بستان‌السیاحه (چاپ سنگی، ۱۳۴۲، موجود در کتابخانه ملی ایران) ذیل گلشن چهاردهم، بعد از سلسله کمیلیه، ص ۳۴۸.
- ۲۷ . آل در ترکی به معنی قرمز است.
- ۲۸ . رک. پیرجمال اردستانی، شرح الکنوز، کلیات، نسخه خطی کتابخانه و موزه مجلس شورای اسلامی، به شماره ۴۲۷۶، برگ ۷۳.
- ۲۹ . همان، همان برگ.
- ۳۰ . مقامات جامی، ص ۱۸۰.

۳۱ . شرح‌الکنوز، برگ ۸۰

۳۲ . همان، برگ ۸۱

۳۳ . همان، برگ ۸۳

۳۴ . همان، برگ ۹۲

۳۵ . همان، برگ ۱۰۳

۳۶ . همان، برگ ۱۰۵

۳۷ . همان، برگ ۹۳

۳۸ . همان، برگ ۹۵



## منابع

- ابن یوسف شیرازی (۱۳۵۳). فهرست نسخ خطی مجلس شورای ملی، چاپخانه مجلس شورای ملی، مهر ۱۳۵۳
- اردستانی، پیر جمال، کلیات، نسخه خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به شماره ۶۱۲۰.
- اردستانی، پیر جمال، کلیات، نسخه خطی کتابخانه ملی پاریس به شماره ۱۷۵۷ و شماره عکس ۱۳۲۱ و شماره میکروفیلم ۱۹۰۷ در دانشگاه تهران.
- اردستانی، پیر جمال، کلیات، نسخه خطی کتابخانه ملک، به شماره ۵۰۵۲.
- اردستانی، پیر جمال، کلیات، نسخه خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره ۴۲۷۶.
- اردستانی، پیر جمال (۱۳۷۱). *مرآه‌الافراد*، به تصحیح حسین انیسی پور. تهران: انتشارات زوار.
- اردستانی، پیر جمال (۱۳۷۶). *دیوان اشعار*، به اهتمام و تصحیح ابوظالب میرعبدینی. تهران: انتشارات روزنه، چاپ اول.
- آقابزرگ تهرانی (۱۳۳۳). *الذریعه الی تصانیف‌الشیعه*، چاپخانه مجلس شورای ملی.
- باخزری، عبدالواسع (۱۳۸۳). *مقامات جامی*، به تصحیح نجیب مایل هروی. تهران: نشر نی، چاپ دوم.
- رفیعی مهرآبادی، ابوالقاسم (۱۳۴۲). *آشکده اردستان*، تهران {بی نا}.
- رکن‌زاده آدمیت، محمدحسین (۱۳۴۰). *دانشمندان و سخن‌سرایان فارس*. تهران: انتشارات خیام.
- روملو، حسن بیک (۱۳۴۹). *احسن‌التواریخ*. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۶۹). *جستجو در تصوف*. تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ چهاردهم.
- صدری‌نیا، باقر (۱۳۸۰). *فرهنگ مآثورات عرفانی*. تهران: انتشارات سروش.
- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۷۲). *تاریخ ادبیات در ایران*. انتشارات فردوس.
- شیروانی، زین‌العابدین (۱۳۴۲). *بس‌تان‌السیاح*، چاپ سنگی، کارخانه آقا میرزا حبیب.
- نیکلسون، رینولد، (۱۹۲۲). «پیر جمال اردستانی»، در مجموعه مقالات *عجب‌نامه*، چاپ کمبریج.

نفیسی، سعید (۱۳۴۴). *تاریخ نظم و نثر در ایران*. تهران: کتابخانه فروغی.  
مدرس، محمدعلی (۱۳۷۷). *ریحانه‌الادب*. تهران: انتشارات خیام.  
معصوم‌علیشاه شیرازی. *طرائق‌الحقایق*، چاپخانه بارانی، فاقد تاریخ انتشار.  
هدایت، رضا قلی‌خان، *اصول‌الفصول*، نسخه خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره  
۲۱۰۳.

\_\_\_\_\_ (۱۳۱۶). *ریاض‌العارفین*، تهران: چاپخانه مهدیه.

